

(عالم اسلام)

شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق قربانی (۱)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۸ / ۱۰

■ اسرار حج در بیان سیدالساجدین (علیه السلام)

■ حق قربانی

۱. خالص کردن نیت

۲. پرهیز از تکلف

■ تکلف ربطی به دین ندارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

اسرار حج در بیان سیدالسادین (علیه السلام)

می‌کشد. بخش‌به‌بخش از آغاز تا انجام، یک‌به‌یک از او سؤال می‌کنند که آیا مثلاً هنگامی که به «میقات» رفتی، در چنین وضعیتی بودی؟ می‌گویی: نه. آیا در طواف بودی، فلان نیت را داشتی؟ تا می‌رسد به قربانی، آیا وقتی که قربانی کردی، طمع را هم قربانی کردی؟ به این ترتیب اسرار و لطایف حج را بیان می‌کنند. شبلی در جواب پرسش‌های امام می‌گوید: نه. حضرت در پایان می‌فرماید: پس تو حج به‌جا نیاورده‌ای؛ یعنی به حقیقت حج دست پیدا نکردی.

حج به تعبیری که حضرت در رساله حقوق بیان فرمودند، میهمانی خدا است: «وفاده الی الله». این میهمان شدن بر خانه پروردگار متعال با مجموعه‌ای از آیین‌ها و مناسک طراحی شده و فرض بر این است که حاجی موفق می‌شود در این سیر از اشتباهات و خطاهایش

درباره «حق حج» بحث را به این ترتیب جمع‌بندی می‌کنیم که در کتاب شریف مستدرک الوسائل نوشته مرحوم محدث نوری، آمده است که شخصی به نام شبلی خدمت امام سجاد (علیه السلام) رسید و عرضه داشت: بحمدالله من به حج مشرف شدم. حضرت با او درباره حج صحبت می‌کنند و مطالب فوق‌العاده تکان‌دهنده بیان می‌کنند که صدای آه و ناله و گریه شبلی بلند می‌شود و در پایان هم درحالی که اشک می‌ریخت و گریه امانش را بریده بود، از محضر حضرت رفت. امام (علیه السلام) در این روایت نورانی و طولانی اسرار حج را به رخ شبلی

شود، حتماً این روایات را قبل از سفر ببینند و به این نکته‌ها و ظرایف و لطایف توجه داشته باشند تا ان شاء الله از برکات این برنامه بسیار مهم که جنبه‌های سیاسی، عبادی، اجتماعی و تربیتی فوق‌العاده‌ای دارد، بهره‌مند شوند.

حق قربانی

۱. خالص کردن نیت

در نسخه‌های رساله حقوق - البته با تفاوت در نسخه‌ها - بعد از اینکه «حق حج» بیان می‌شود، مطلبی داریم تحت عنوان «حق الهدی» یا حق قربانی. جالب است که در کنار عناوین مستقل حق افعال، عنوانی هم داریم تحت عنوان حق قربانی یا «حق الهدی». این نکته بسیار جالبی است که توضیح خواهیم داد که چه رازی در این مسئله نهفته است. پس درباره قربانی به‌طور مستقل قطعه‌ای در رساله حقوق داریم. البته در بعضی نسخه‌ها

بیرون بیاید. در حج میهمان خدا هستیم و از گناهانمان می‌گریزیم؛ یعنی انسان به برکت حج موفق می‌شود توبه همه‌جانبه‌ای داشته باشد. در مجموعه این مناسک، هم میهمانی و بهره‌مندی از فیض ربوبی نهفته است و هم فرار از گناهان و در واقع یک انقلاب رفتاری و شخصیتی که توبه می‌باشد. در مجموعه این مناسک - چنان‌که امام (علیه السلام) در روایت مذکور اشاره کردند - اسرار و رموز فراوان و بسیار زیبایی وجود دارد. «سیر الی الله» که می‌شود گفت شرح کلمه «وفاده» است که در آغاز «حق حج» آمده است، در حدیث شبلی آمده که امام (علیه السلام) به تفصیل آن را بیان فرمودند. البته روایات دیگری هم از سایر ائمه (علیهم السلام) داریم که پیشنهاد می‌کنم همه، مخصوصاً آنهایی که از خدای متعال می‌خواهند که حج روزی‌شان

النَّاطِرِينَ دُونَهُ». یعنی با اخلاص کامل قربانی را انجام دهد و فقط به سوی خدای متعال توجه داشته باشد و هیچ اراده‌ای برای جلب نگاه دیگران نداشته باشد.

۲. پرهیز از تکلف

حضرت در ادامه فرمودند: «فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ» اگر این‌طور رفتار کردی، یعنی خالصانه و فقط برای جلب نظر و قبول حضرت حق و رحمت پروردگار متعال قربانی را انجام دادی، «لَمْ تَكُنْ مُتَّكِلًا وَلَا مُتَّصِعًا» گرفتار تکلف، ظاهرگرایی و خودنمایی نمی‌شوی. «وَكُنْتَ إِنَّمَا تَقْصِدُ إِلَى اللَّهِ» تو فقط و فقط مقصدت را حضرت حق قرار دادی و در تلاشی که نظر رحمت خدای متعال و قبول حضرت حق را جلب کنی. در اینجا تأکید در درجه اول بر روی اخلاص است. سپس امام (علیه السلام) با لطافت ما را متوجه یک آسیب، یعنی

«حق حج» اصلاً نیامده و فقط «حق الهدی» آمده که این هم نکته‌ای است. می‌شود گفت «حق الهدی» ادامه «حق الحج» است؛ متنها به دلیل اهمیت و نکته فوق‌العاده دقیقی که بنا است در این حق مطرح شود، امام (علیه السلام) آن را مستقل بیان فرموده‌اند. متن این‌طور است: «وَأَمَّا حَقُّ الْهَدْيِ فَإِنَّ تُخْلِصَ بِهَا الْإِرَادَةَ إِلَى رَبِّكَ» یعنی حق قربانی این است که تو اراده خودت را برای پروردگارت خالص کنی.

کسی در حج شرکت کرده و منزل به منزل آیین‌ها و مناسک را انجام داده تا رسیده به قربانی. حالا حق قربانی این است که آن را با اخلاص انجام دهد و به این ترتیب خود را در معرض رحمت و پذیرش حضرت حق قرار دهد: «وَالْتَعَرَّضَ لِرَحْمَتِهِ وَ قَبُولِهِ». همچنین هرگز توجه و تمایلی به چشم‌های بیننده نداشته باشد: «وَلَا تَرِيدُ عَيْوُنَ

تکلف و تصنع می‌کنند. از اینجا امام (علیه السلام) وارد موضوع دیگری می‌شوند. تا اینجا بحث حق قربانی مطرح بود. از آنجا که در کنار انجام این وظیفه بزرگ در حج، جماعتی از مسلمان‌ها و حج‌گزاران گرفتار آفت تصنع و خودنمایی می‌شوند و خود را به مشقت و ولخرجی می‌اندازند و به رخ کشیدن اینکه ما می‌توانیم چه کنیم، حضرت وارد موضوع بعدی می‌شوند؛ یعنی موضوع بسیار مهم «تکلف» به عنوان یک آفت در کنار برخی از عبادات که یک نمونه‌اش حج است. علاوه بر حج و نمونه‌ای مثل قربانی، در امتداد حج هم گاهی گرفتار تکلف هستیم؛ مثل آنچه در ولیمه دیده می‌شود. ظاهراً غیر از آنچه در حج اتفاق می‌افتد، آنچه پس از حج اتفاق می‌افتد هم مد نظر هست؛ مثل ولیمه یا سوغات که جزء آداب و آیین

تکلف ربطی به دین ندارد

به مناسبت حج، امام (علیه السلام) مشکل و مسئله‌ای را مطرح نموده‌اند که کم‌وبیش در بین جامعه ما در بخش‌های مختلف قابل توجه است و در گذشته هم وجود داشته، منتها آن زمان در کنار مسئله قربانی بیشتر مطرح بوده است. شگفتا این مسئله‌ای است که در کنار خیلی از برنامه‌های دیگر ما هم مطرح است. اگر خالص باشیم و فقط به دنبال جلب نگاه خداوند باشیم و کاری به دیگران نداشته‌ایم،

ابراهیمی و حج محمدی (صلی الله علیه و آله) ندارد.

در سایر مسائل دینی نیز این یک قاعده است. خداوند از طریق آسان در دسترس هست؛ لازم نیست خود را به دشواری بیندازیم. خداوند برای بندگانش آسانی را خواسته و برای آنها عسر و سختی را نخواست است.

حضرت (علیه السلام) موضوع را رها نمی‌کنند؛ با اینکه در رساله حقوق بنایشان بر اختصار و بیان نکته‌های اصلی و جان کلام می‌باشد. امام (علیه السلام) از رهگذر حق قربانی، وارد تحلیل یک موضوع گسترده و آفت مهم‌تر می‌شوند که می‌توان آن را در تمام زوایای زندگی مشاهده کرد. جالب است که خیلی‌ها این مسئله را به دین نسبت می‌دهند! امام (علیه السلام) می‌فرماید اینها هیچ ربطی به دین ندارد.

امام (علیه السلام) می‌فرماید

گرفتار تکلف و اینکه خود را به مشقت بیندازیم، نمی‌شویم. با این طرح مسئله، امام (علیه السلام) وارد یک نگاه جدی و آسیب‌شناسانه و شناخت یک آفت خطرناک می‌شوند.

«وَاعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يُرَادُّ بِالْيَسِيرِ وَلَا يُرَادُّ بِالْعَسِيرِ» اگر کسی می‌خواهد به خدا برسد، لازم نیست خود را به دشواری و خرج و زحمت‌های اضافی بیندازد. می‌توان به آسانی به خدا رسید. اینجا امام (علیه السلام) یک نکته بدیع و لطیف که در متن دین طراحی شده مطرح می‌فرماید: خداوند برای بندگانش آسانی را خواسته است: «كَمَا أَرَادَ بِخَلْقِهِ التَّيْسِيرَ وَلَمْ يُرِدْ بِهِمُ التَّعْسِيرَ» خدا نخواست است بندگانش را به مشقت و سختی بیندازد. این تکلف، ولخرجی‌ها، خرج‌های اضافی و تصنع و دشوارسازی‌هایی که به وجود آورده‌اند، هیچ ربطی به آیین الهی و دین ابراهیمی و حج

و نیازی به این‌همه خرج کردن نیست.

ما در خیلی از بخش‌های زندگی این ابتلا را داریم که مسئله‌ای که عنوان دینی دارد، مثلاً قربانی، ولیمه، ازدواج، مهریه، هدیه دادن، میهمانی دادن و آراستگی در لباس که امور پسندیده دینی هستند و در دین برایشان احکامی وجود دارد و مورد توصیه هستند، گرفتار پدیده‌ای به نام تکلف هستیم که ربطی به دین ندارد. اینها چیزهایی است که خودمان درست کرده‌ایم. این ولخرجی‌ها و به رخ کشیدن‌ها و رقابت‌های نامناسب، همه‌شان زاییده روش‌های غلیط ما است.

«لَأَنَّهُمَا الْخَلْقُ وَ هُمَا مَوْجُودَانِ فِي الطَّبِيعَةِ» چیزی که با آفرینش انسان و جهان و ناموس خلقت هماهنگ است، عبارت است از: رفتار فروتنانه و متواضعانه و خالصانه و هماهنگ با روش بندگی. اینها

آنچه شایسته است در رفتار و مرام تو وجود داشته باشد، تواضع و فروتنی و خاکساری در برابر حق است؛ نه اینکه در کنار یک برنامه عبادی که متنش عبارت است از فروتنی در برابر حضرت حق، گرفتار خان‌بازی و به رخ کشیدن دارایی‌ها شوی و اینکه ما می‌توانیم این تشریفات را داشته باشیم.

«وَ كَذَلِكَ التَّذَلُّلُ أَوْلَىٰ بِكَ مِنَ التَّدَهُّقِ لِأَنَّ الْكَلْفَةَ وَالْمُتُونَةَ فِي الْمَتَدَهِّقِينَ» کلفت، یعنی دشواری و سخت‌گیری و اضافه کردن چیزهایی که هیچ ربطی به متن آیین الهی و دین خدا ندارد، بیشتر با رفتار کسانی هماهنگ است که رفتارهای شاهبازی و خان‌بازی و به رخ کشیدن دارایی‌های خود دارند.

«فَأَمَّا التَّذَلُّلُ وَ التَّمَسُّكُنُ فَلَا كَلْفَةَ فِيهِمَا وَ لَا مُتُونَةَ عَلَيْهِمَا» در رفتار فروتنانه و خاکسارانه و متواضعانه، تکلفی وجود ندارد

اصل مسئله و هم از این جهت که این آسیب مورد توجه و شناسایی قرار گیرد، امام (علیه السلام) آن را جدا مطرح کرده‌اند.

با این نگاه آسیب‌شناسانه باید نگاهی به آیین‌های مختلف زندگی مان بیندازیم و ان‌شاءالله طی تصمیم‌های جدی، خودمان را از تکلف‌ها نجات دهیم؛ تکلف‌هایی که زندگی را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، شیرینی‌ها را تلخ می‌کند، دوستی‌ها را به دشمنی تبدیل می‌کند، ازدواج‌ها را در معرض آسیب و طلاق قرار می‌دهد، خانواده‌ها را دچار مشکل می‌کند، مدیریت‌ها را دشوار می‌کند و روابط اجتماعی را در معرض دشواری‌ها قرار می‌دهد.

در طبیعت هست؛ اما رفتار تکلفانه و تصنع و نمونه‌هایی که ذکر شد، هیچ ربطی به متن آفرینش ندارد. «وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» اگر بخواهید از مصیبت‌هایی که خودتان برای خودتان درست کرده‌اید نجات یابید، راهش همین است. حق قربانی اینجا مستقلاً ذکر شد. حال این سؤال پیدا می‌شود که چرا؟ ممکن است بگوییم به خاطر اهمیت قربانی در مناسک است. ممکن است بگوییم که در آیات مربوط به حج، دائماً روی مسئله قربانی تأکید می‌شود. ممکن است بگوییم قربانی مَهرِ قبول بر حج است. ضمناً می‌توانیم بگوییم بر اساس نگاه امام سجاد (علیه السلام)، چون آسیبی در قربانگاه آن زمان و انجام قربانی در آن روزگار به نام تکلف وجود داشته، خواسته‌اند آن را برجسته کنند. می‌تواند همه‌ی این موارد باشد؛ یعنی هم به دلیل اهمیت





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

